

عنوان مقاله:

تحولات حق تعیین سرنوشت در نظریه های مشورتی دیوان بین المللی دادگستری: از کوزوو تا مجمع الجزایر چاگوس

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره 53، شماره 4 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسندگان:

سید محمدرضا میرصانع - دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم، قشم، ایران

سید باقر میرعباسی - دکتری حقوق بین الملل، استاد گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مریم مرادی - استادیار حقوق بین الملل خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم، قشم، ایران

سید طه موسوی - استادیار گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

یکی از اساسی ترین موازین حقوق بشر، حق مردم برای تعیین سرنوشت خودشان است. اهمیت این حق به حدی است که دکترین آن را پایه و اساس همگی حقوق بشری می دانند. در حقیقت برای نیل به سایر حقوق بشری تحقق اصل حق تعیین سرنوشت اهمیت بسزایی دارد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. در پاسخ به این پرسش که تحولات حق تعیین سرنوشت در نظریه های مشورتی دیوان بین المللی دادگستری در قضیه کوزوو و مجمع الجزایر چاگوس چیست؟ می توان گفت که حق تعیین سرنوشت دارای دو جنبه شامل جنبه بیرونی، یعنی حق مردم در تعیین وضعیت بین المللی خود و جنبه درونی، حق مردم در انتخابات سیستم حکومتی، مشارکت در تصمیم گیری جامعه و حفظ حقوق اقلیت هاست. در قضیه کوزوو، رای دیوان به صورت ضمنی دارای عناصر سیاسی است و به چالش های حقوقی بر رابطه بین حق تعیین سرنوشت و اصل تمامیت ارضی دامن زده است. با این حال هرچند دیوان بین المللی دادگستری با عدم تعیین شرایط دولت بودن، به ابهام مرز بین حق تعیین سرنوشت و تمامیت ارضی کماکان ادامه داد، با وجود این کوزوو حق پیروزی را برای خود محفوظ داشت. در خصوص مجمع الجزایر چاگوس، دیوان بین المللی دادگستری از تمامی دول عضو سازمان ملل متحد تقاضا کرده است که به منظور تکمیل فرایند استعمارزدایی در سرزمین موریس با سازمان ملل متحد همکاری کنند، چراکه حق بر تعیین سرنوشت در زمره تعهدات عام الشمول است و نمی توان آن را به تکلیفی دوجانبه فروکاست.

کلمات کلیدی:

حق تعیین سرنوشت، حقوق بشر، دیوان بین المللی دادگستری، رویه قضایی، قاعده آمره

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1897767>

